

# مسئله روشنفکران

در کشورهای دموکراسی توده‌ای

از : جوان

یکی از مهمترین مسائلی که پرولتاریای هر کشور پس از بدست گرفتن قدرت و حکومت در پیش دارد، مسئله روشنفکران است. پرولتاریای فاتح برای آنکه پیروزی خود را حفظ کند و به نمر رساند ناچارست دستگاه دولتی بورژوازی را در هم بریزد و بنیانی نو برای دستگاه دولت سوسیالیستی بگذارد. بورژوازی وقتی روی کار می‌آید، چون بتدریج در سازمان جامعه فتوئالی ریشه دوانده، برای خود روشنفکرانی که بتوانند دستگاه دولتی او را اداره کنند دارد.

رفیق استالین می‌گوید: «تاکنون همه طبقات حاکمه - برده داران، مالکین و سرمایه‌داران - در هر حال از طبقات ثروتمند بودند. امکان آنرا داشتند که به فرزندان خود فنون و رسوم اداره کردن را بیاموزند. تفاوت طبقه کارگر با آنها اینست که از طبقات ثروتمند بشمار نمی‌آید، برای او امکان اینست که فرزندان خود را فنون و رسوم حکومت بیاموزد، نبوده و این امکان تنها امروز، پس از بدست گرفتن حکومت، برای او پیدا شده است» (از مجموعه آثار، جلد دوم، چاپ روسی، صفحه ۳۷) از این گذشته، بورژوازی وقتی بروی کار می‌آید سازمان اداری قبل از خود را از بن برنی اندازد و بعضی از قسمتهای آنرا می‌تواند برفع خود حفظ کند. اما پرولتاریا چنین نیست و چاره‌ای جز این ندارد که همه دستگاه دولتی پیشین را بنیان کن کند و دستگاه جدیدی بر جای آن بنا نهد.

در کشورهای دموکراسی توده‌ای اروپا هم مانند شوروی در زمان خود، این تحول تنهادر نتیجه مبارزه شدید طبقاتی با نیروهای ارتجاعی و درهم شکستن مقاومت دیوانه‌وار دشمن مغلوب، انجام گردید. این کشمکش بخصوص در کشورهای چون چکسلواکی، مجارستان، رومانی، که در آنها بقایای رژیم کهن تا مدتی بجا بود، شدیدتر می‌نمود.

در شوروی خورد کردن دستگاه دولتی کهن با انقلاب سوسیالیستی اکتبر که دیکتاتوری پرولتاریا را بدنبال داشت، عملی گردید اما در کشورهای دموکراسی توده وضع بشکلی دیگر بود در این کشورها دوران تجدید ساختمان دستگاه دولتی هم مانند خود انقلاب، طولانی بود و در شرایط مشکلی با انجام رسید. در اینجا هم طبقه کارگر وقتی بروی کار آمد کادروسیمی از روشنفکران کار آمد در اختیار نداشت که بتواند یکباره بر قسمتهای مختلف دستگاه دولتی جدید بگمارد.

روشنفکران او تنها همان قشر نازکی بودند که در سازمانهای حزب کمونیست یا اتحادیه‌های کارگری احزاب سوسیالیستی چپ، روزنامه‌های حزبی کار می‌کردند و گذشته از اینها گروه کوچکی از نویسندگان و شعرا و نقاشان که به طبقه کارگر در مبارزه با کاپیتالیستها خدمت می‌نمودند.

در راه ایجاد کادرهای روشنفکران دشواریهای زیاد در پیش بود: یکی خرابی وضع اقتصادی در نتیجه جنگ، دیگر از دست رفتن عده زیادی از روشنفکران کارآمد در میدانهای جنگ و بازداشتگاهها.

اما احتیاج دولتهای دموکراسی توده‌ای به متخصصین، روز بروز بیشتر می‌گردد زیرا این دولتها در راه بنیان گذاری سوسیالیزم هر روز با مسائل پیچیده و مهمی روبرو می‌شدند و باین طریق مسئله ایجاد کادرهایی از روشنفکرانی که بخدمت سوسیالیزم کمر بندند امروز یکی از مسائل مهم تحکیم حکومت ملی و رشد اقتصاد سوسیالیستی بشمار می‌رود.

طبقه کارگر کشورهای دموکراسی توده‌ای این گفته استالین را هرگز از یاد نمی‌برد که: «منی توانم صاحب واقعی کشور شود اگر خود را از چنگال بی‌سوادی نرهاند، روشنفکرانی از خود تربیت نکند، بر اصول علمی تسلط نیابد و حکومت خود را بر اساس علوم پایه نگذارد»

با توجه بآنچه گذشت امروز در کشورهای دموکراسی توده‌ای از دوره برای ایجاد کادرهای تازه روشنفکران و متخصصین فعالیت می‌شود: یکی تربیت متخصصین و روشنفکران قدیمی با ایدئولوژی نو، دیگر پرورش کادرهایی از خود طبقه کارگر.

با آنکه مردم کشورهای دموکراسی توده‌ای اساس کار خود را بر روی تجربه‌های گذشته دولت شوروی می‌بندند، باز اختلافی میان وضع امروز آنها و گذشته شوروی وجود دارد که کارشان را آسانتر می‌سازد. این اختلاف را می‌توان در دو قسمت زیر خلاصه کرد: اول وجود اتحاد جماهیر شوروی که با کمکهای عظیم خود ترقی و پیشرفت کشورهای دموکراسی توده‌ای را در زمینه‌های مختلف تسریع می‌کند، دوم همکاری نزدیک اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای دموکراسی توده‌ای اروپای شرقی.

دولت جوان شوروی در آغاز کار نه تنها هیچگونه کمک و پشتیبانی از خارج دریافت نمی‌کرد بلکه ناچار بود عده قوای خود را صرف مبارزه بامتجاوزان و ضد انقلابیها و دسته‌های گارد سفید بنماید، اما دولتهای دموکراسی توده‌ای که در سایه ارتش نجات بخش شوروی به یکباره از جنگهای داخلی و اندیشه تجاوز خارجی آسوده شده‌اند با خیال آسوده می‌توانند بمسائل مربوط به تجدید ساختمان و آبادانی کشور خود بپردازند

موضوع جلب متخصصین و روشنفکران قدیمی که در برنامه کشورهای دموکراسی توده‌ای قرار دارد، تابع قوانین خاصی است. این قوانین در کشورهای مختلف بسته بوضع و موقع تاریخی آنها فرق میکند. تجربه در کشورهای دموکراسی توده‌ای نظر لنین را در موضوع جلب روشنفکران قدیمی بخدمت طبقه کارگر،

بار دیگر تأیید کرد زیرا در این کشورها نیروی شرایط تازه تاریخی، کار خیلی آسانتر از سالهای نخستین حکومت شوروی انجام میگردد.

علل این تفاوت زیاد را میتوان بطریق زیر تشریح کرد: روشنفکران روسیه پیش از انقلاب اکتبر، هرگز آن تجربه ای را که روشنفکران دیگر کشورهای سرمایه داری از انقلاب اکتبر آموختند، نداشتند و نمی توانستند هم داشته باشند روشنفکران کشورهای دموکراسی توده ای پیش از آنکه طبقه کارگر حکومت را بدست گیرد، امکان داشته اند نه تنها بوسیله کتابها و مطبوعات بلکه از روی شواهد زنده نتایج حکومت پرولتاریائی را در کشور سوسیالیستی شوروی بچشم به بینند. پرروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در شوروی تأثیر عظیمی بر روی روشنفکران بورژوازی داشت. از اینرو تمایل این دسته بخدمت طبقه پرولتاریا در کشورهای دموکراسی توده ای پیش از برافتادن رژیم قدیم آغاز گردید. ضربه های خورد کننده فرهنگ و دانش شوروی بر فرهنگ فاسد بورژوازی فهم طبقاتی در روشنفکران پدید آورد و آنها را از تردید و تزلزل نجات بخشید. آنها بچشم انحطاط و تجربه فرهنگ بورژوازی را میدیدند و ناگزیر باین سؤال کورگی که: «ای استادان فرهنگ شما با کدام طرفید؟» جواب مطلوب میدادند. آنها بچشم خود، بورژوازی در بن بست افتاده را میدیدند و چنانکه استالین می گوید: «بیشتر آنها کم کم درک می کردند که با آن طبقه ای منافع مشترک دارند که می تواند راه خروج از این بن بست را نشان دهد»

جنگ دوم جهانی هم یکی از عوامل مؤثر در بیدار کردن روشنفکران بورژوازی بود. آنها که در زمان جنگ کشورشان بزرگ ستوران فاشیست افتاد تیزی دندان این اهریمن خونخوار را بروی پوست خود حس کردند، در برابر دیدگان وحشت زده آنها آثار فرهنگ ملی، نمونه های هنر باستانی، یادگارهای تمدن قدیمی لگد کوب و نابود شد. تنها در آن میان گروه معدودی که با دربار پادشاهان مونیوولیستها بیگمی داشتند بوطن خیانت کردند و خدمت فاشیسم را کردن نهادند. اکثر روشنفکران با وجود فشار و سختی زیاد هرگز حاضر بهمکاری بادشمنان نشدند. اما تأثیر قطعی پرروی افکار روشنفکران زمانی پدید آمد که مردم شوروی در برابر هیتلریزم قد علم کردند. قشرهای پیشرو روشنفکران از آغاز کارزار با تحسین و شگفتی ناظر بیکار عظیم مردم شوروی با فاشیستها بودند. و سرانجام همه ایمان آوردند که تنها قیام مردانه ملل شوروی اروپا را از بندگی و بردگی نجات بخشید.

از طرف دیگر چون در لبردهای مغزی و زیرزمینی کشورهای اشغال شده همیشه کمونیستها پیشقدم و نخستین شهیدان بودند، این فداکاری و جاسازی مقام خاصی برای آنان در میان همه زحمتکشان و روشنفکران پدید آورد. کمونیستها که اهمیت روشنفکران را در بیکار ضد فاشیسم درک میکردند کوشیدند آنها را با خود همراه سازند و در این راه بخصوص در کشورهای بلغارستان، چکوسلواکی و رومانی توفیق یافتند. در سالهای جنگ بهترین نمایندگان روشنفکران دوش بدوش کارگران و دهقانان پیشرو، زیر رهبری کمونیستها برای آزادی و استقلال وطن خود می جنگیدند. در دسته های مقاومت و پارتیزانی که از ملت های

اروپا در شوروی تشکیل میشد این اتحاد میان کارگران و دهقانان و روشنفکران تقویت گردید. برای مثال می توان از « ژولیوس فوجیک » نام برد که هم اداره کننده تشکیلات مخفی حزب کمونیست در چکسلواکی بود و هم روزنامه ارکان مرکزی حزب « روده پراوو » را نظارت می کرد و هم توانست از نویسندگان و شعرا و نقاشان چنان سازمانی بوجود آورد که مجله مخفی « توربا » را بدست آنان انتشار دهد.

در چین هم حزب کمونیست سالها پیش از پیروزی انقلاب توده می کار منظمی در میان روشنفکران انجام میداد و در جلب آنان کامیابی زیادی یافته بود این پیشرفت بیشتر در میان روشنفکران نواحی آزاد شده و مناطقی که زیر نظر سازمانهای حزب بود، محسوس میگردد. در مناطقی هم که زیر تسلط « کومین تانگ » بود پیوسته فعالیت در میان قشرهای پیشرو روشنفکران بیشتر میشد. در پایان سال ۱۹۴۷ « مائوتسه تونگ » رهبر مردم چین در این باره چنین نوشت :

«اگر در سال ۱۹۴۶ «چیان کایشک» در مناطق حکمروایی خود، در میان روشنفکرانی که از توده بورژوازی و بورژوازی مترسقا الحال برخاسته اند، هنوز هواداران معدودی داشت که آرزوی خام «راه سوم» را در سر میپروراندند، اکنون همه این آرزوها بر باد رفته است» (مجموعه آثار، صفحه ۱۲) شکست امپریالیزم ژاپن که بدنبال درهم شکسته شدن نیروی فاشیسم توسط آتش شوروی انجام گرفت، عامل دیگری بود که روشنفکران را بسوی دولت دموکراسی توده ای چین جلب کرد.

امروز در کشورهای دموکراسی توده ای آسیای، چین و کره، روشنفکران وضع خاصی دارند که آنها را از روشنفکران کشورهای دموکراسی توده اروپا متمایز میسازد. این وضع خاص بیشتر نتیجه دهها سال استعمار امپریالیستهای که سطح فرهنگ را در مراحل پائین نگاهداشته و از توسعه تعداد روشنفکران جلوگیری کرده است، در چین و کره برخلاف کشورهای دموکراسی توده ای شماره روشنفکران زیاد نبود بر سر اغلب صنایع متخصصین خارجی که اغلب ژاپنی و امریکائی بودند کار میکردند.

بیشتر روشنفکران در چین قدیم نمیتوانستند کاری در فراخور حال خود پیدا کنند و ناچار یا بکارهای ساده بدنی میپرداختند یا راه مهاجرت پیش میگرفتند از اینرو پیروزی انقلاب بورژوا دموکراتیک در چین و کره شمالی با استقبال شدید همه قشرهای روشنفکران روبرو گردید. عامل دیگر که بر روشنفکران کشورهای چین و کره وضع خاص می بخشید دوره مخصوص انقلاب در این کشورهاست. در کشورهای چین و کره شمالی برخلاف کشورهای دموکراسی توده ای اروپا انقلاب در همین حال جنبه ضد فتودالی و ضد امپریالیستی دارد و هنوز جنگ با امپریالیستهای متجاوز امریکائی در این سرزمینها پایان نیافته است. در این کشورها حکومت صورت دیکتاتوری دموکراتیک توده ای دارد که اداره آن بدست طبقه کارگر و اساس آن بر اتحاد کارگر و دهقان میباشد. «مائوتسه تونگ» در شمار نیروهای اصلی

که سرنوشت کشور را بدست دارند از روشنفکران زحمتکش هم نام می برد.

اکنون در این کشورها قشرهای مختلف روشنفکران، حتی آنها که روزی در خدمت طبقه حاکمه سابق بوده اند، بکارگران پیوسته اند بعلت اینکه در آنجا بورژوازی ملی بهمکاری با مردم جلب شده و در تحت شرایط معین به رشد و توسعه حکومت ملی کمک میکند. بگفته «چومن لای» در این کشورها در طرز تفکر اکثر روشنفکران تغییر محسوس پدید آمده است. نمونه های زنده این همکاری روشنفکران را با مردم، در پیکار قهرمانانه ارتش توده ای کره و داوطلبان چین می توان دید.

اما همچنانکه گفته شد تنها پیوستن متخصصین و روشنفکران قدیم بدموکراسی توده ای مسئله روشنفکران را حل نمیکند زیرا این گروه نه از نظر کمیت و نه از حیث کیفیت بهیچ صورت نمیتوانند احتیاج روز افزون دولتی را که در راه سوسیالیسم پیش میرود بر آورند. طبقه کارگر به پیروی از گفته رفیق استالین باید کادریهای روشنفکر از میان کارگران و دهقانان تربیت کند. این عمل تاریخی جز بر پایه انقلاب فرهنگی که میلیونها تن زحمتکش را بر اداره حکومت و هدایت فرهنگ مسلط سازد ممکن نیست.

انقلاب فرهنگی در کشورهای دموکراسی توده ای با کمک و پشتیبانی مداوم شوروی انجام میگردد.

هر سال میلیونها کتاب از آثار نویسندگان و هنرمندان شوروی بزبان ملتهای مختلف ترجمه و صدها فیلم و نمایشنامه در سراسر کشورهای دموکراسی توده ای نمایش داده میشود. هرماه دسته های کارگران مهندسان، ودانشجویان و متخصصین برای مطالعه در صنایع شوروی و طرز اداره کارها بآن کشور مسافرت میکنند یادداشتهای اشتاخا نویسا و قهرمانان کار شوروی سر مشق خوبی برای کارگران و روشنفکران دموکراسی توده ای بشمار میرود زحمتکشان کشور های دموکراسی توده ای از روی تجربه ملتهای شوروی می آموزند که چگونه روشنفکرانی از میان مردم پرورش دهند و چگونه هدایت روشنفکران قدیمی را بدست گیرند. طرز تربیت کادریهای روشنفکری در جامعه ای که طبقه کارگر بر آن حاکم است با جامعه های سرمایه داری تفاوت بسیار دارد این تفاوتی اساسی از اختلافی که میان سازمان اجتماعی کشورهای دموکراسی توده ای و کشورهای سرمایه داریست ریشه میگردد در دموکراسیهای توده ای تربیت کادریهای روشنفکران بدون نقشه و از روی خیال انجام نمیشود بلکه با نقشه و هدف معین و مباشرت توده مردم انجام میگردد. در جامعه های سرمایه داری، چون روشنفکران معمولاً از میان متمکنین بر میخیزند همیشه تضاد میان کار فکری و کار بدنی وجود دارد و تشدید میشود. بعکس در دموکراسیهای توده ای که روشنفکران از طبقات کارگر و دهقان پدید می آیند و سطح فرهنگ و صنعت طبقات زحمتکش ترقی میکند، این تضاد و اختلاف از میان میرود.

امروز در دموکراسیهای توده ای در سایه حکومت طبقه کارگر همه گونه

وسیله و فرصت برای پرورش و ترقی کادرهای سازمان دهنده و اداره کننده از میان مردم، فراهم است.

در اثر چند سال حکومت توده ای اکنون در اغلب این کشورها، روشنفکرانی که از طبقه کارگر برخاسته اند مشاغل حساس را بدست دارند. در لهستان تا سال ۱۹۵۰ نزدیک هفده هزار تن از کارگران زن و مرد بر مشاغل ریاست کارخانه ها، مدیریت بخشها و دستها و استادکاری گماشته شده اند. در مجارستان نیمی از افراد هسته اداره کننده کارهای کشور کارگران هستند که همه آنها بیازده هزار تن می رسد در رومانی تنها در سال ۱۹۴۹ در دستگاه دولتی سی هزار تن کارگر و دهقان به کارهای مدیری و ریاست گماشته شده اند. گذشته از این در رومانی اداره و زادت صنایع ذوب فلز و صنایع شیمیائی بطور کامل در دست کارگرانست و زیر صنایع ذوب فلز، سابق کارگروه آهن؛ معاون او کارگر جوشکار، مشاور او یک کارگر ساده بوده اند. در چین برای سپردن کار اداره سازمانها و اداره های مختلف بدست کارگران و دهقانان فعالیت زیادی میشود. مثلا در شمال شرقی چین از ۱۶۷ هزار تن کارمندان ۱۶۵ هزار تن کسانی هستند که از میان توده برخاسته اند.

در دموکراسیهای توده ای در تربیت کادرهای جوان توجه و دقت زیاد میشود. در سراسر کشور وسایل تحصیل و ترقی آنها تا مرحله روشنفکران سوسیالیستی فراهم گردیده است. در هر یک از این کشورها شماره دانشجویان که متخصصین آینده خواهند بود، افزایش یافته. از طرف دیگر مبارزه با بیسوادی بشدت ادامه دارد و باین منظور نقشه های وسیعی طرح شده است که توضیح و تشریح هر یک آنها جا و فرصت زیاد میخواهد.

• برای تدوین مطالب این مقاله از نوشته «دو بروسکی» در مجله «مسائل فلسفی» شماره ۲ سال ۱۹۵۴ زیر عنوان «روشنفکران نوین در کشورهای دموکراسی توده ای» استفاده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتان جامع علوم انسانی

